Linguistic Research in the Holy Quran.
Vol. 14, No. 1, 2025
Research Paper

The Conceptualization of Jihad in the Holy Qur'an and its Semantic Distinction from Qital (With Emphasis on Verse 73 of Surah At-Tawbah)

Hossein Barati*, Hasan Naghizadeh, Abbas Esmaeelizadeh

Assistant Professor of Qur'an and Hadith studies, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.
Professor of Qur'an and Hadith Studies, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran
Associate Professor, Department of Koranic Studies, Faculty of Theology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Abstract

Due to linguistic and semantic complexities of some verses of the Qur'an, "Jihad" and "Qital" are two Qur'anic concepts that evoke the meaning of struggle, war, and conflict. On the other hand, the Holy Qur'an, with its unique structure, seeks a specific purpose with each concept, and one cannot easily replace one concept with another. This research, using an analytical-critical method and a Qur'an-centered approach, aims to illuminate better the Qur'anic conceptualization of Jihad and, in some cases, critiques and examines the views of interpreters. The unidimensional nature of Jihad, its Meccan and Medinan contexts, the use of the term "Mujahid," the connection between Jihad and patience and migration, its unlimited nature, and other factors all reflect the special conceptualization of Jihad in the Qur'anic context. The findings suggest that the use of this concept in its Qur'anic context serves a specific purpose. Therefore, in verses that also depict the atmosphere of war, Jihad can be considered as a form of "struggle" encompassing all activities, actions, and reactions. Additionally, given its ethical and Islamic significance, all necessary prerequisites for Jihad are included. Thus, any sincere effort by Muslims to confront polytheists and hypocrites, and if necessary, to fight polytheists, can be considered Jihad. In summary, any type of struggle that can be "in the way of Allah" and prevents "hindrance to the way of Allah" is considered Qur'anic Jihad, as is the type of fighting that fits this definition.

Keywords: Jihad, Qital, War, Struggle, Qur'anic Conceptualization, Surah At-Tawbah.

2821-0735 © The Author (s). Published by University of Isfahan
This is an open access article under the CC- BY 4.0 License (Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License).

https://doi.org/10.22108/NRGS.2025.142201.1974

پژوهش‌های زبانشناختی قرآن
سال چهاردهم، شماره اول، شماره پیاپی (۲۷) بهار و تابستان ۱۴۰۴
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۸
صص: ۱۴۶– ۱۲۹

مقاله پژوهشی

مفهوم‌سازی جهاد در قرآن کریم و تمایز معنایی آن با قتال (با تأکید بر آیۀ ۷۳ سورۀ توبه)

حسین براتی[۱*]، حسن نقی‌زاده [۲]، عباس اسماعیلی‌زاده[۳]

۱– استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
hosseinbarati@um.ac.ir
۲– استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
naghizadeh@um.ac.ir
۳– دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
esmaeelizadeh@um.ac.ir

چکیده

«جهاد» و «قتال» دو مفهوم قرآنی هستند که معنای مبارزه، جنگ و ستیز را تداعی می‌کنند. از طرفی، قرآن کریم با ساختار ویژۀ خود، از به کاربردن هر مفهومی، مقصودی ویژه را دنبال می‌کند و به‌راحتی نمی‌توان هر مفهومی را به‌جای مفهوم دیگر به کار گرفت. پژوهش حاضر، با روشی تحلیلی ـ انتقادی و با رویکردی قرآن‌محور، سعی می‌کند «مفهوم‌سازی» قرآن در بحث جهاد را بهتر نمایان کند و در مواردی به نقد و بررسی آرای مفسران نیز اشاره کند. یک‌سویه بودن مفهوم جهاد، مکی و مدنی بودن آن، به‌کارگیری لفظ مجاهد، پیوند جهاد با هجرت، بی‌حدومرز بودن آن و موارد دیگر، حکایت‌گر مفهوم‌سازی ویژۀ قرآن در مقولۀ جهاد هستند. نتایج نشان می‌دهد به‌کارگیری این مفهوم در بافتار قرآنی آن به منظور خاصی صورت گرفته است؛ بنابراین، می‌توان در آیاتی که فضای جنگ را نیز ترسیم می‌کنند، مفهوم جهاد را به معنای نوعی «مبارزه» در نظر گرفت که هر فعالیت و کنش و واکنشی را شامل شود و از طرفی، با توجه به بار ارزشی و اسلامی آن، تمام مقدمات لازم جهاد تلقی شوند؛ بنابراین، هر تلاش خالصانه‌ای از جانب مسلمانان برای هر گونه رویارویی با مشرکان و منافقان و در صورت نیاز، پیکار با مشرکان و در یک کلام، هر نوع مبارزه‌ای که بتواند «فی سبیل الله» باشد و از «صد عن سبیل الله» ممانعت کند، جهاد قرآنی است؛ چنان‌که قتالی که این‌گونه باشد، مصداق جهاد است.

واژگان کلیدی: جهاد، قتال، جنگ، مبارزه، مفهوم‌سازی قرآنی، سورۀ توبه.

۱- طرح مسئله

«جهاد» و «قتال» از جملۀ مفاهیمی هستند که به صورت گسترده، البته با بسامدهایی متفاوت در قرآن کریم به کار رفته‌اند و معنای مبارزه، دفاع و جنگ را در ذهن تداعی می‌کنند. مفهوم «جهاد» امروزه برای معنای مقابله و درگیری با دشمن به کار می‌رود و در سوره‌های به اصطلاح مکی و مدنی دیده می‌شود. مفهوم «قتال» نیز که دلالتی واضح بر معنای جنگیدن دارد، در آیات بسیاری آمده است که صرف‌نظر از اختلاف مفسران در رابطه با آیۀ ۲۰ سورۀ مزمل[۱] که برخی آن را با توجه به مکی بودن

*نویسنده مسئول

سوره، مکی دانسته‌اند (فخر رازی، ۱٤۲۰ق، ج۳۰، ص٦۸۱؛ بیضاوی، ۱٤۱۸ق، ج۵، ص۲۵۵) و برخی آن را مدنی به شمار آورده‌اند (زمخشری، ۱٤۰۷ق، ج٤، ص٦۳٤؛ طباطبایی، ۱٤۱۷ق، ج۲۰، ص۷٤)، فقط در سوره‌های مدنی به گونه‌های مختلف به کار برده شده است. البته در این میان، مفهوم «حرب» (الانفال: ۵۷)، «غزا» (آل‌عمران: ۱۵٦) و «دفاع»[۲] (الحج: ۳۸) نیز در بسامدی کمتر نسبت به دو واژهٔ جهاد و قتال در قرآن به کار رفته‌اند و می‌توان آن‌ها را در یک حوزهٔ معنایی قرار داد.

از طرفی، دو مفهوم «جهاد» و «قتال» در طول تاریخ اسلام تا زمان حاضر، با زندگی مسلمانان در ارتباط مستقیم بوده‌اند. جنگ‌های صدر اسلام و غزوات پیامبر (ص)، فتوحات دوران خلفا، جنگ‌های داخلی مسلمانان، درگیری‌های بین مذاهب و دیگر مسائل اجتماعی و سیاسی رخ‌داده در جهان اسلام تا زمان حاضر، عواملی هستند که با دو مفهوم قرآنی یادشده پیوند داشته و موجب برداشت‌های گوناگون نیز شده‌اند.

با تأمل در آیات قرآن، تفاوت‌هایی میان دو مفهوم یادشده قابل ملاحظه هستند. مطالعهٔ تاریخی دربارهٔ مفهوم جهاد حکایت از نوعی تحول و تطور آن دارد؛ (نک: غفاری، ۱۳۹۰ش، ج۱۹، صص۱۷-۱۸)؛ به گونه‌ای که در دوره‌های بعد از نزول قرآن، خواسته یا ناخواسته، دو مفهوم قرآنی یادشده هم‌معنا شده‌اند و این امر موجب اختلاف در فهم آیاتی شده است که مفهوم جهاد و مشتقات آن در آن‌ها یاد شده است.

حال، با توجه به مطالب یادشده، باید پرسید: آیا قرآن کریم دو مفهوم جهاد و قتال را در یک معنا به کار برده است و می‌توان آن‌ها را در جای یکدیگر نهاد؟ یا بیان هر یک از آن‌ها معنای خاصی را افاده می‌کند؟ به‌کارگیری این دو مفهوم در آیات قرآن چه تفاوت‌هایی را نشان می‌دهد؟ معنا و مفهوم صریح‌ترین آیه در بحث دستور به جهاد یعنی: «یا أَیهَا النَّبِی جَاهِدِ الْکُفَّارَ وَالْمُنَافِقِینَ وَاغْلُظْ عَلَیهِمْ...» (التحریم: ۹؛ التوبه: ۷۳) چیست؟

از آنجا که قرآن کریم مطمئن‌ترین و مهم‌ترین منبع برای شناخت عقاید، اخلاق و احکام اسلامی محسوب می‌شود، بایسته است تا آیات قرآن و از جمله دو مفهوم یادشده را در مرحلهٔ نخست بدون هیچ پیش‌فرض دیگری در نظامی قرآنی فهم کنیم؛ بنابراین، لازم است از دو منظر به دو مفهوم «جهاد» و «قتال» نگریسته شود: نخست آنکه این دو مفهوم در منظومهٔ قرآن کریم مورد تأمل قرار گیرند و جایگاه هر یک با توجه به مفهوم‌سازی ویژهٔ قرآن معلوم شود. پس از آن، فهم‌های گوناگون و آرای مختلف مفسران مورد تحلیل و ارزیابی قرار بگیرند تا اگر احیاناً هر یک از مفاهیم به‌جای دیگری به کار برده شود یا معنایشان از آن نظام قرآنی خارج شود، به جایگاه اصلی خود برگردد. اگرچه نوشتار حاضر ادعای بررسی تمام جزئیات این مسأله را ندارد، سعی می‌کند نخست به مفهوم‌سازی جهاد در آیات قرآن اشاره کند و در ضمن، آرای برخی از مفسران را با تأکید بر آیهٔ ۹ سورهٔ تحریم و ۷۳ سورهٔ توبه بررسی کند. البته از آنجا که قتال معنایی مشخص دارد، به صورت ضمنی و در کنار بحث از مفهوم جهاد مطرح می‌شود.

اهمیت این مسأله آنگاه فزونی می‌یابد که در عصر حاضر، برخی از گروه‌های افراطی آیات قرآن را دست‌آویزی برای رفتارهای ناصحیح خود دانسته و دیدگاه‌های خود را بر آیات غلبه داده‌اند و به‌راحتی از مفهوم جهاد که بار ارزشی والایی دارد و از زیباترین مفاهیم در منظومهٔ قرآنی است، صرفاً معنای قتال و حرب را برداشت کرده و موجب بدفهمی و سردرگمی شده‌اند. بدیهی است، عدم توجه به هر یک از این واژه‌ها چه آثار سوئی در پی دارد.

۲- پیشینهٔ پژوهش

در پیشینه‌شناسی بحث، می‌توان از مقاله‌های زیر یاد کرد: (۱) «تبیین راهبرد نرم‌افزارگرایانهٔ جهاد در قرآن

کریم» از محمد جانی‌پور و محمدرضا ستوده‌نیا. این مقاله می‌کوشد نظریهٔ قرآن دربارهٔ جنگ نرم جهادی را تبیین و راهبردهای نرم‌افزارگرایانه برای دست یافتن به آن‌ها را بررسی کند. (۲) «معناشناسی واژهٔ جهاد در قرآن کریم» نوشتهٔ بیژن کریمی میرعزیزی. این مقاله می‌کوشد معنای غالبی جهاد را قدرت و جنگ نرم‌افزارگونه بداند؛ یعنی تلاش با مفاهیم نظری از جمله قول، وعظ، ارشاد. (۳) «شبهات المستشرقین حول الجهاد و القتال فی الاسلام و اجوبتها القرآنیة» از کاظم قاضی‌زاده و دیگران. این مقاله شبهات مستشرقان و پاسخ به آن‌ها در موضوع جهاد و قتال را مدنظر قرار می‌دهد. (٤) «تحلیل و بررسی تناسب آیات قتال در سورهٔ توبه با تکیه بر اسباب و فضای نزول آیات و سور مرتبط» نوشتهٔ مهدی آبسالان و همکاران. این مقاله به نسبت روایات سبب نزول با آیات سورهٔ توبه نظر دارد.

از آنجا که هیچ یک از این پژوهش‌ها از طریق مفهوم‌سازی ویژه‌ای که بر خود قرآن حاکم است، دربارهٔ جهاد بحث نکرده‌اند، انجام پژوهشی در این زمینه بایسته و ضروری به نظر می‌رسد. در واقع، نوآوری این پژوهش در سه مسأله است: نخست، سعی می‌کند به چگونگی به‌کارگیری مفهوم جهاد در کلام الهی توجه کند و سپس، در آیهٔ «جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ» درنگ کند و در ضمن آن، به دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای نیز اشاره کند.

۳- مفهوم‌سازی و اصالت تعابیر قرآن

امروزه، بحث معناشناسی با شاخه‌های گوناگونش به حوزهٔ علوم اسلامی و تفسیر و فهم متون هم وارد شده است. یکی از حوزه‌های این بحث معناشناسی شناختی است که سعی می‌کند پیش و بیش از هر چیز بر خود متن، ساختار و بافت آن تکیه کند. معناشناسی شناختی با طرح این ادعا که ساختار زبان انعکاس مستقیم شناخت است، هر تعبیر زبانی را با مفهوم‌سازی موقعیت خاصی همراه می‌داند. (Lee, 2001, p. 2). برای این منظور، مؤلفه‌هایی همچون «مفهوم‌سازی» و «اصالت تعابیر» در این زمینه مطرح هستند. این دو مؤلفه در قرآن نیز قابل ردیابی هستند. در واقع، هر واژهٔ قرآنی معنا و کارکرد خاص دارد و کاربرد آن در نهایت دقت صورت گرفته است؛ از این رو، ممکن است دو واژه از نظر معنایی نزدیک به هم باشند، ولی به کار گرفتن یکی در جای دیگری تعبیر قرآنی مدنظر را به طور دقیق نرساند؛ چنانکه یکی از پژوهشگران در این باره می‌نویسد: «صرف تشابه ساختار دو تعبیر که در یک یا دو واژه تفاوت دارند، دلیل نمی‌شود که آن‌ها را به‌جای یکدیگر به کار بگیریم یا هم‌معنا بدانیم» (قائمی‌نیا، ۱۳۹۰ش، ص۱۳۱). وی دربارهٔ اصالت تعابیر قرآنی می‌گوید: «۱- در هر موقعیت، تنها یک تعبیر مناسب قرآنی در کار است؛ ۲- هر تعبیر قرآنی تنها با یک توصیف از موقعیت مدنظر تناسب دارد» (همان).

همو دربارهٔ مفهوم‌سازی ویژهٔ قرآن می‌گوید: «هر عبارتی از قرآن را باید آن‌گونه که هست پذیرفت و از برگرداندن آن به تعبیرهای دیگر اجتناب کرد. هر عبارت مفهوم‌سازی خاصی از یک موقعیت است و وقتی آن را به عبارت دیگری برمی‌گردانیم، در واقع، مفهوم‌سازی از آن موقعیت به هم می‌خورد» (همان، ص۱۹۱)؛ بنابراین، باید در مقام فهم آیات قرآن به‌درستی این مسأله را رعایت کرد تا سخن قرآن را با مفهوم‌سازی ویژه‌ای که صاحب قرآن برای آن به کار برده است دریافت کنیم و تا حد امکان از سوءبرداشت‌ها در امان باشیم.

٤- معنای لغوی جهاد و قتال

قبل از بررسی مفهوم‌سازی قرآن در باب جهاد و قتال، بایسته است تا معنای این دو واژه از نظر علم لغت و نظرگاه لغویان بررسی شود. به نظر می‌رسد «قتال» معنایی واضح دارد؛ این واژه از ریشهٔ «ق ت ل» به معنای ازالهٔ حیات است و به وسیلهٔ آن مرگ رخ می‌دهد؛ بنابراین، قتال همان محاربه است که بر استمرار در قتل دلالت

می‌کند (مصطفوی، ۱٤۳۰ق، ج۹، صص۲۱۷-۲۱۳). جهاد از ریشهٔ «ج ه د» است و برخی از لغویان، اصل در این ریشه را به معنای مشقت دانسته‌اند (ابن فارس، ۱٤۰٤ق، ج۱، ص٤۸٦) و برخی تفکیک قائل شده و «جَهد» را به مشقت و «جُهد» را به وُسع معنا کرده‌اند (راغب اصفهانی، ۱٤۱۲ق، ص۲۰۸) برخی نیز «جَهد» را طاقت و «جُهد» را مشقت معنا کرده‌اند (فیروزآبادی، ۱٤۱۵ق، ج۱، ص۳۹٦). ابن‌منظور معنای مشهور «جهاد» را «محاربة الأعداء» می‌داند؛ هرچند دوباره آن را این‌طور معنا می‌کند: «المبالغةُ وَ استفراغُ الوُسعِ فِی الحَربِ أو اللِّسَانِ أو مَا أطاقَ مِن شَیءٍ» (ابن‌منظور، ۱٤۱٤ق، ج۳، ص۱۳۵)؛ یعنی اصل را بر همان میدان حرب می‌گذارد. فیروزآبادی نیز جهاد را «قتال العدو» معنا کرده است (فیروزآبادی، ۱٤۱۵ق، ج۱، ص۳۹٦). مصطفوی اصل واحد در این ریشه را بذل طاقت و سعی تمام برای رسیدن به هدف می‌داند (مصطفوی، ۱٤۳۰ق، ج۲، صص۱۵۰-۱٤۹). راغب اصفهانی معنای جهاد و مجاهده را صرف نیرو برای دفع و راندن دشمن می‌داند و آن را به سه گونه تقسیم‌بندی می‌کند: ۱- جنگ و مجاهده برای راندن و دفع دشمن آشکار، ۲- جهاد با شیطان و اهریمن و ۳- جهاد در مجاهده با نفس. وی سپس هر یک از آیات زیر را به‌ترتیب، مربوط به آنچه گفته شد، به شمار آورده است: «وَ جاهِدُوا فِی اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ» (الحج: ۷۸)؛ «جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ» (التوبه: ٤۱)؛ «إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَ هاجَرُوا وَ جاهَدُوا بِأَمْوالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ» (الانفال: ۷۲) (راغب اصفهانی، ۱٤۱۲ق، ص۲۰۸).

کتاب‌های فروق اللغة تفاوت جهاد و قتال را بررسی نکرده‌اند. در این میان، جزائری به تفاوت معنای «جهاد» و «غزو» اشاره کرده و گفته است: «غزو تنها در بلاد دشمن انجام می‌گیرد، اما جهاد مطلق است و لذا هر فرد غازی (جنگجو) مجاهد است، اما هر مجاهدی غازی نیست. وی می‌افزاید، هدف اصلی در غزو، تحصیل مال و غنیمت است، هرچند مستلزم حرب و مقاتله باشد؛ اما هدف اصلی در جهاد، محاربه همراه با راندن دشمن است، هرچند تحصیل فوائد هم مستلزم آن است» (جزائری، ۱٤۰۷ق، ص۱۰۲).

۵- مفهوم‌سازی قرآنی جهاد

در ادامه، به مفهوم‌سازی جهاد در قرآن اشاره می‌کنیم تا تفاوت مؤلفه‌های معنایی آن با مفهوم قتال بهتر معلوم شود و توجه یا عدم توجه برخی از مفسران در این مسأله نیز مشخص شود.

۵-۱- به‌کارگیری لفظ مجاهد

یکی از مفهوم‌سازی‌های دقیق قرآن کریم استفاده از لفظ «مُجاهِد» است. این تعبیر در دو آیه قابل مشاهده است: در سورهٔ نساء، آنگاه که بین دو گروه «قاعدون» و «مجاهدون» تفاوت قائل می‌شود و می‌فرماید: «لَا یسْتَوِی الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ غَیرُ أُولِی الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ». در ادامه، دستهٔ دوم را بر گروه نخست برتری می‌دهد و می‌فرماید: «فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِینَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِینَ دَرَجَةً وَکُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِینَ عَلَى الْقَاعِدِینَ أَجْرًا عَظِیمًا» (النساء: ۹۵). جالب آنکه، سه مرتبه در یک آیه این تعبیر را تکرار می‌کند که نشان از تأکید ویژه بر این مفهوم دارد. در آیه‌ای دیگر نیز سخن از «مجاهدان» در کنار «صابران» است و فرموده است: «وَلَنَبْلُوَنَّکُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِینَ مِنْکُمْ وَالصَّابِرِینَ وَنَبْلُوَ أَخْبَارَکُمْ» (محمد: ۳۱).

در اینجا، بحث بر سر استفاده از مفهوم وصفی و تفاوت کاربرد اسمی و فعلی است. ادیبان عرب در این رابطه توجهی ویژه‌ای داشته و اسم را نشانهٔ ثبوت و فعل را نشانهٔ تجدد و حدوث دانسته‌اند (نک: السامرائی، ۱٤۲۰ق، ج۱، ص۲٦٤)؛ از این رو، فعل «یَحفَظُ» بر حدوث و تجدد دلالت می‌کند و به این معناست که فاعلِ فعل به حفاظت اشتغال دارد و اسم فاعل «حافِظ» بر ثبوت دلالت دارد و به این معناست که این وصف در فرد

استقرار یافته است. توجه به این نکته در یادکرد لفظ «مُجاهِد» نشان از نوعی ثبوت و دوام این صفت (جهاد) در وجود افرادی است که خداوند با توجه به همین نکته، آن‌ها را بر «قاعدان» ترجیح می‌دهد «فَضَّلَ اللهُ المُجاهدینَ». چنانکه واضح است، در اینجا از فعل مجهول نیز استفاده نشده است؛ برای مثال، نفرموده است: «فُضِّلَ المُجاهدونَ»، بلکه به فاعل توجه دارد و نشان می‌دهد این برتری را خود خداوند به این افراد داده است. به‌کارگیری مفهوم «مجاهد» زمانی بهتر خودنمایی می‌کند که در هیچ آیه‌ای از قرآن، لفظ «مُقاتِل» استفاده نشده است. از طرفی، قتال در همه‌جا به صورت فعلی آمده است؛ بنابراین، نتیجه می‌گیریم قرآن از یادکرد مفهوم وصفی (مُجاهِد) هدفی ویژه داشته که آن را برای فردی که صرفاً اهل قتال بوده، به کار نگرفته است. مفسران هم ـ تا آنجا که اطلاع داریم ـ به این نکته توجه خاصی نداشته‌اند. از نظر نگارنده، قرآن با همین مفهوم‌سازی، بخشی از پرسش‌های امروزین ما را نیز نسبت به مسألهٔ جنگ و پیکار به‌خوبی پاسخ می‌دهد؛ به این صورت که قرآن به دنبال تربیت و پرورش «مقاتل» نیست، بلکه «مجاهدپرور» است. در حقیقت، با دقت در این ظرایف قرآنی است که زیبایی‌های کلام الهی بهتر جلوه می‌کنند.

۵-۲- تجارت بودن جهاد

قرآن کریم جهاد را «تجارت» و قتال را «بیع» می‌نامد. دقت در تفاوت این دو واژه به‌خوبی می‌تواند مفهوم‌سازی قرآن در هر یک از دو مفهوم جهاد و قتال را نشان دهد. در این باره، با دو آیه روبه‌رو هستیم:

آیهٔ نخست از لفظ جهاد بهره می‌گیرد: «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّکُمْ عَلَی تِجَارَةٍ تُنْجِیکُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِیمٍ» «تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِکُمْ وَأَنْفُسِکُمْ ذَلِکُمْ خَیرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (الصف: ۱۱-۱۰)

اما در آیه‌ای دیگر فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَی مِنَ الْمُؤْمِنِینَ أَنْفُسَهُمْ وَ أَمْوالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ یُقاتِلُونَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ فَیَقْتُلُونَ وَ یُقْتَلُونَ ... فَاسْتَبْشِرُوا بِبَیْعِکُمُ الَّذِی بایَعْتُمْ بِهِ» (التوبه: ۱۱۱)

عدم توجه به مفهوم‌سازی ویژهٔ هر یک از آیات موجب شده است تا برخی از مفسران با وجود دارا بودن رویکرد قرآن‌محوری، هر دو آیه را به یک گونه تفسیر کنند و آن‌ها را شبیه به هم بدانند و سپس، آیهٔ دوم را با تفسیری قرآن به قرآن در تأیید آن بیان کنند (طباطبایی، ۱٤۱۷ق، ج۱۹، ص۲۵۸؛ صادقی تهرانی، ۱۳٦۵ش، ج۲۸، ص۳۱۸)؛ در صورتی که اگر به پیوند دو مفهوم جهاد و قتال با دو واژهٔ تجارت و بیع توجه کنیم، جهاد را با قتال یکی نخواهیم دانست.

«تجارت» به معنای خرید و فروش (ابن‌منظور، ۱٤۱٤ق، ج٤، ص۸۹) و تصرّف در سرمایه برای سود و منفعت است (راغب اصفهانی، ۱٤۱۲ق، ج۱، ص ۱٦٤)؛ اما بیع صرفاً به معنای فروش و گاهی خرید است (ابن فارس، ۱٤۰٤ق، ج۱، ص ۳۲۷).

بی‌تردید، در آیهٔ ۳۷ سورهٔ نور، این دو مفهوم را نمی‌توان به یک معنا دانست. برخی از مفسران به این تفاوت دقت داشته و اذعان کرده‌اند: کلمهٔ «تجارت» استمرار در کسب را نشان می‌دهد؛ ولی بیع بر فروختن برای یک بار دلالت دارد. پس فرق بین این دو کلمه فرق بین دفعی بودن و استمرار داشتن است (طباطبایی، ۱٤۱۷ق، ج۱۵، ص۱۲۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷٤ش، ج۱٤، ص٤۸۳)؛ بنابراین، نتیجه می‌گیریم تجارت به عنوان نوعی حرفه و شغل مطرح است که فرد پیوسته به آن مشغول است؛ اما بیع صرفاً خرید و فروش کالاست.

با توجه به این نکته، قرآن کریم مفهوم جهاد را با تجارت پیوند داده است تا مؤمنان آن را به عنوان نوعی حرفهٔ دائمی و مستمر به کار گیرند؛ در صورتی که در آیهٔ ۱۱۱ توبه، صحبت از قتال است و خداوند مشتری جان‌هایی است که در راه خدا کشته می‌شوند: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَی مِنَ الْمُؤْمِنِینَ...فَیَقْتُلُونَ وَ یُقْتَلُونَ ... فَاسْتَبْشِرُوا

بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ» (التوبه: ۱۱۱).

بنابراین، به نظر می‌رسد تجارت نوعی حرفه و شغل است؛ ولی بیع صرفاً به معنای فروش و گاهی خرید است. در واقع، جهاد را خداوند به عنوان یک تجارت، یعنی حرفه، می‌پسندد؛ اما قتال تجارت نیست و نباید به عنوان یک حرفهٔ دائمی در نظر گرفته شود.

۵-۳- یک‌سویه بودن مفهوم جهاد

قرآن کریم مفهوم «قتال» را در ضمنِ برخی از آیات به صورت دو طرفه مطرح می‌کند؛ به این معنا که جنگیدن را به عنوان امری مقابله‌ای برای مسلمانان لازم و ضروری می‌داند: ۱- «قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً» (التوبه: ۳٦)؛ «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا» (البقره: ۱۹۰)؛ «فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ...» (النساء: ۷٦)؛ آیات ۳۹ سورهٔ حج[۳] و ۸ و ۹ ممتحنه[٤] نیز گواه بر این مطلب هستند؛ در صورتی که در هیچ آیه‌ای از قرآن «جهاد» را مفهومی دوطرفه نمی‌بینیم[۵]؛ به این معنا که فرموده باشد: چون دشمنان با شما جهاد کردند، شما نیز جهاد کنید. بلکه جهاد گزاره یا مفهومی یک‌سویه است که نیازی به اقدام طرف مقابل ندارد، بلکه بنا بر اقتضای موقعیت، می‌تواند در شرایط مختلف انجام شود. البته آیاتی از قرآن که دستور به قتال مطلق می‌دهند را می‌توان با قیودی که در آیات یادشده آمد، مقیّد کرد.

۵-٤- مدحی بودن سیاق آیات جهاد

بررسی‌ها نشان می‌دهند در رابطه با بحث جهاد، عموماً از فعل ماضی (نک: البقره: ۲۱۸؛ آل‌عمران: ۱٤۲؛ الانفال: ۷۲، ۷٤، ۷۵؛ التوبه: ۱٦، ۲۰، ۸۸؛ النحل: ۱۱۰؛ الحجرات: ۱۵) یا مضارع (نک: العنکبوت: ٦؛ المائده: ۵٤؛ التوبه: ٤٤، الصف، ۱۱) یا لفظ مجاهدون/مجاهدین استفاده شده است (نک: النساء: ۹۵؛ محمد: ۳۱). در واقع، آیات جهاد غالباً دارای نوعی مدح و ستایش هستند؛ یعنی قرآن مؤمنانِ اهل جهاد را مدح و تحسین می‌کند: «...يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ...» (المائده: ۵٤)؛ اما در عموم آیات قتال، سیاق امری (دستوری) غالب است (در این زمینه نک به آیات: البقره: ۱۹۰، ۱۹۳، ۲٤٤؛ آل‌عمران: ۱٦۷؛ النساء: ۸٤؛ الانفال: ۳۹؛ التوبه: ۱۲، ۱٤، ۲۹، ۳٦، ۱۲۳).

و نیز در ضمنِ برخی از آیات، مقام مذمت مؤمنان مطرح است که آن‌ها را به خاطر نجنگیدن، سرزنش می‌کند: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (النساء: ۷۵)؛ «أَلَا تُقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ» (التوبه: ۱۳).

۵-۵- پیوند مفهوم جهاد با هجرت

جهاد از جملهٔ مفاهیمی است که در برخی از آیات در کنار «هجرت» مطرح است؛ از این رو، پیوند این بحث با مهاجرت اهل مکه به مدینه مشاهده می‌شود؛ برای مثال، در آیاتی از سورهٔ انفال این موضوع مطرح است. خداوند در آیهٔ ۷٤ این سوره: «وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ آوَوْا وَ نَصَرُوا» دو دسته را معرفی می‌کند که به وسیلهٔ حرف موصول «الذین» از هم جدا شده‌اند و سرنوشت هر یک این گونه مطرح شده است: «أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ» (الأنفال: ۷٤).

در این قسمت نیز به‌خوبی مفهوم‌سازی قرآن از دو گروه مهاجر و انصار نمایان است؛ به این صورت که اگر قرار بود جهاد در این آیات صرفاً به معنای قتال باشد، لزومی نداشت خداوند آن را فقط برای مهاجران به کار ببرد؛ زیرا انصار نیز در جنگ‌ها قتال می‌کردند و از این نظر، تفاوتی میان مهاجر و انصار وجود ندارد. در آیهٔ ۷۲، یعنی در دو آیهٔ قبل نیز این تفاوت آشکار است: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» (الأنفال: ۷۲). در ادامهٔ این آیه آمده است: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا». در

این قسمت، نفی رابطهٔ ولایی میان مهاجران و غیرمهاجران را به سبب عدم مهاجرت بیان کرده است؛ یعنی گروه نخست از ویژگی‌های ایمان، هجرت و جهاد با اموال و انفس برخوردار هستند، اما گروه مقابل ایمان دارند، ولی هجرت نکرده‌اند، ولی صحبت از جهاد نکردن آن‌ها نیست؛ زیرا وقتی مهاجرت انجام نشده و آن‌ها از مکه مهاجرت نکرده‌اند، در واقع، جهاد هم معنا ندارد. پس در این آیه، لازمهٔ جهاد هجرت است و اگر هجرتی در میان نبود جهاد هم منتفی بود[۶]. در آیهٔ ۱۹۵ سورهٔ آل عمران، قتال را نیز در کنار هجرت می‌بینیم که البته به نظر می‌رسد، هجرت در این آیه، تنها به معنای خاص آن نبوده و عمومیت دارد (نک: طباطبایی، ۱٤۱۷ق، ج٤، ص۸۸).

از سایر مفهوم‌سازی‌های قرآن قرار گرفتن مفهوم جهاد در کنار مفهوم «صبر» است. در این زمینه، در آیه‌ای آمده است: «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ» (آل‌عمران: ۱٤۲).

صاحب تفسیر المنار به کاربرد قرآنی مفهوم جهاد توجه داشته و معتقد است قرآن آن را به معنای لغوی‌اش به کار برده است. وی با توجه به آیهٔ یادشده که رفتن به بهشت را مشروط به جهاد و صبر می‌داند و حال آنکه جهاد (به معنای فقهی آن) واجب کفایی است و مطمئناً همه توانایی انجام آن را ندارند، این‌طور می‌گوید که جهاد در کتاب و سنت به معنای لغوی‌اش به کار رفته است و شامل تحمل سختی‌ها و مبارزه با مشکلات، جهاد با نفس، روبه‌رو شدن انسان با شهوات به ویژه در دورهٔ جوانی، جهاد با مال و دفع باطل و یاری حق می‌شود. (رشیدرضا، ۱۹۹۰م، ج٤، ص۱۲۸)؛ بنابراین، اشکالی ندارد که این آیه رفتن به بهشت را مشروط به جهاد و صبر بداند و حال آنکه جهاد بر همه واجب نیست. در واقع، صاحب المنار به‌خوبی در این آیه بین مفهوم قرآنی و فقهی جهاد تفاوت قائل شده است. نقطهٔ مقابل این نظر را در گفتهٔ مفسری دیگر مشاهده می‌کنیم. صاحب التفسیر القرآنی به‌صراحت در مقابل جهاد یادشده در آیه از قتال با کافران یاد می‌کند. (الخطیب، ۱٤۳۱ق، ج۲، ص٦۰٤).

در همین زمینه، می‌توان آیهٔ ۱۱۰ سورهٔ نحل را به عنوان مثالی دیگر مطرح کرد که فرمود: «ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا وَصَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» (النحل: ۱۱۰). طبق قول مشهور، چهل آیهٔ نخست سورهٔ نحل مکی هستند و ادامهٔ آیات در روزهای مقارن با هجرت در مدینه نازل شده‌اند (طباطبایی، ۱٤۱۷ق، ج۱۲، ص۲۰۳)؛ از این رو، این آیه ناظر به شکنجه‌هایی است که مشرکان قریش در صدر اسلام نسبت به مؤمنان روا می‌داشتند تا شاید آن‌ها از دینشان برگردند؛ همچنان که عمار و پدر و مادرش را شکنجه کردند و ...؛ بنابراین، این آیه و آیات قبل آن در این باره نازل شده‌اند (همان، ج۱۲، ص۳۵۵).

بدیهی است، پیوند جهاد با هجرت و صبر در این آیه نمی‌تواند جهاد به معنای قتال را تداعی کند؛ چنانکه زمان و فضای نزول این آیه نیز گواه بر این مطلب است؛ بنابراین، این آیه نوعی تسکین دردها و رنج‌های مسلمانان نسبت به تحمل آزار مشرکان نسبت به افرادی همچون عمار و ... است؛ از این رو، این آیه در سیاقی عام، هجرت مسلمانان، آزار و شکنجه شدن آن‌ها و مجاهدت و صبر آن‌ها را می‌ستاید.

۵-٦- بی‌حدومرز بودن جهاد

قرآن کریم مفهوم «قتال» را دارای حدومرز می‌داند و «إعتداء» یعنی زیاده‌روی (ابن‌منظور، ۱٤۱٤ق، ج۷، ص۳٦۸)، تجاوز از حد (فیروزآبادی، ۱٤۱۵ق، ج۲، ص۵۷۲) و خلاف حق عمل کردن (راغب اصفهانی، ۱٤۱۲ق، ص۵۵٤) در آن را جایز نمی‌داند و می‌فرماید: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا» (البقره: ۱۹۰) و حال آنکه جهاد مفهومی وسیع و باارزش است که مرزی برای آن مشخص نیست. در واقع، مفهوم جهاد نمی‌تواند تجاوزگرایانه و زیاده‌روی باشد، بلکه جهاد در هر صورت و شرایطی در مسیر حق است؛ از این رو، در

قرآن هیچ‌گاه بحث از افراط در مسألهٔ جهاد قابل مشاهده نیست.

۵-۷- جهاد، مفهومی مکی و مدنی

قرآن کریم علاوه بر آنکه مفهوم جهاد را در موارد مختلف و در سیاق‌هایی گوناگون به کار گرفته است، فقط آن را در سوره‌های مدنی استفاده نکرده و این مفهوم در سوره‌های مکی نیز قابل مشاهده است: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (العنکبوت: ٦٩)؛ «وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ...» (الحج: ۷۸). از همه مهم‌تر، در سورهٔ فرقان، «جهاد کبیر» پیامبر (ص) را نه به وسیلهٔ جنگ ـ که این آیه در مکه است و هنوز جنگ نظامی واجب نشده است ـ بلکه به گونه‌ای دیگر ترسیم کرده و فرموده است: «فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (الفرقان: ۵۲) [۷]. این کلمه در دو آیهٔ دیگر نیز به این صورت آمده است: «وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ...» (العنکبوت: ۸؛ لقمان: ۵) که به معنای تلاش و کوشش والدین برای وادار کردن انسان به پذیرش شرک است.

جالب آنکه سفیان بن عیینه از آیاتی مکی که عمومیت آن‌ها واضح و آشکار است نیز برداشت جنگ و قتال کرده و به ابن المبارک گفته است: «إذا اخْتَلَفَ النَّاسُ فَعَلَيْكَ بِمَا قَالَه لِأَهلِ الْجِهَادِ وَ الثُّغور، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ: وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» (سمعانی، ۱٤۱۸ق، ج٤، ص۱۹٤). بدیهی است، این برداشت که خداوند این آیه را نسبت به اهل جهاد و ثغور به کار گرفته باشد، برداشتی صحیح به نظر نمی‌رسد.

بعدها بغوی نیز به گفتهٔ پیشین استناد می‌کند و عبارت: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا» را این‌گونه معنا می‌کند: «الَّذِينَ جَاهِدُوا الْمُشرِكِينَ لِنُصرَةِ دِينِنَا» (بغوی، ۱٤۲۰ق، ج۳، ص۵٦۸). ابن عثیمین، مفسر وهابی معاصر هم هرچند جهاد در آیهٔ مورد بحث را به معنای عام آن می‌گیرد، مصادیقی همچون امر به معروف و نهی از منکر و پرهیز از حرام‌ها و قتال با کفار را در ذیل آن نام می‌برد (ابن عثیمین، ۱٤۳٦ق، ص٤۱۳).

برداشت جهاد با مشرکان به هر نحوی، از این آیه پذیرفتنی نیست؛ زیرا اولاً، سخن در جهاد «فی الله» است که می‌تواند هر نوع تلاش و کوششی را شامل شود و ثانیاً، سیاق سخن با اینکه صرفاً جهاد با مشرکان مدنظر باشد، ناسازگار است.

آیهٔ «جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» در سورهٔ حج آمده است که در میان مفسران و نویسندگان تاریخ قرآن در مکی یا مدنی بودنش گفت‌وگو است؛ جمعی آن را ـ جز چند آیه ـ مکی می‌دانند، در حالی که جمعی دیگر معتقد هستند همهٔ آن ـ جز چند آیه ـ در مدینه نازل شده است، بعضی نیز آن را ترکیبی از آیات مکی و مدنی می‌دانند. (نک: مکارم شیرازی، ۱۳۷٤ش، ج۱٤، ص۳). علامه طباطبایی می‌گوید: «این سوره در اوایل هجرت پیامبر (ص) به مدینه و پیش از جنگ بدر نازل شده است» (طباطبایی، ۱٤۱۷ق، ج۱٤، ص۳۳۹)؛ بنابراین، اگر مدنی هم به حساب آید، در اوایل هجرت نازل شده و مربوط به زمانی است که مسلمانان به‌جد وارد معرکهٔ نبرد و کارزار نشده‌اند. به علاوه آنکه تعبیر «حق جهاد» دلالت آن را بر مصادیق بسیاری ممکن می‌کند و می‌تواند حوزه‌هایی مختلف را در بر گیرد. به نظر می‌رسد ابن عباس از نخستین مفسرانی است که منظور از «جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» را «جاهدوا المشرکین» دانسته (جصاص، ۱٤۱۵ق، ج۳، ص۳۲۷) و به نوعی جهاد شرعی و قتال را در نظر گرفته است. قطب‌الدین راوندی نیز در فقه القرآن بدون توجه به این نکته، «جاهدوا» را در وهلهٔ نخست به معنای أمر به غزو (جنگ) و مجاهدهٔ نفس در این پیکار و سپس به معانی عام آن، یعنی مجاهدهٔ نفس در هر طاعت و عبادتی به شمار آورده است و البته یادآور می‌شود جهاد نفس همان جهاد اکبر است (قطب‌الدین راوندی، ۱٤۰۵ق، ج۱، ص۳۲۹).

برخی دیگر به‌خوبی معنای جهاد در آیهٔ مورد بحث را وسیع‌تر از جنگ و قتال دانسته و با استفاده از قید «فی الله» این عمومیت را تبیین کرده و آیهٔ «وَ الَّذِینَ جاهَدُوا فِینا لَنَهْدِیَنَّهُمْ سُبُلَنا» را به عنوان مؤید آن یاد کرده‌اند (طباطبایی، ۱٤۱۷ق، ج۱٤، صص٤۱۳-٤۱۲).

در روایات تفسیری نقل‌شده از امامان (ع) نیز جهاد در این آیه به وجوهی مختلف حمل شده که حکایت‌گر حوزه‌ها و مصادیق گوناگون آن است (نک: حویزی، ۱٤۱٥ق، ج۳، ص٥۲۳).

خلاصه آنکه، جهاد هم مفهومی مکی و هم مدنی است، در حالی که قتال این‌گونه نیست[۸]؛ بنابراین، نمی‌توان جهاد را هم‌معنای با قتال دانست؛ زیرا در فضای مکه نبردی بین مسلمانان و مشرکان نبوده است.

٥-۸- سایر گونه‌های مفهوم‌سازی جهاد

علاوه بر موارد یادشده، نکات عمدهٔ دیگری نیز یافت می‌شوند که می‌تواند مفهوم‌سازی ویژهٔ قرآن در بحث جهاد را بهتر به تصویر بکشد. قرآن کریم در ضمنِ آیه‌ای به افرادی که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح داده‌اند دستور قتال می‌دهد: «فَلْیُقَاتِلْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ الَّذِینَ یَشْرُونَ الْحَیَاةَ الدُّنْیا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ یُقَاتِلْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ فَیُقْتَلْ أَوْ یَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِیهِ أَجْرًا عَظِیمًا» (النساء: ۷٤). در این مفهوم‌سازی، نتیجهٔ قتال یا کشته شدن یا غلبه کردن بر دشمن خواهد بود؛ بنابراین، نتیجهٔ جنگ و قتال پیروزی یا شکست است؛ اما این گونه نتیجه‌گیری هیچ‌گاه برای جهاد به کار نرفته است و در قرآن مشاهده نمی‌شود.

نکتهٔ دیگر آنکه، بار ارزشی مفهوم جهاد در قرآن سبب شده تا در کنار خدا و پیامبر (ص) به عنوان امری محبوب و شاخص که مدنظر قرآن است مطرح شود و محبوبیت این سه با محبوبیت خویشان و نزدیکان افرادی که اهل جهاد نبوده‌اند، مقایسه شود: «قُلْ إِنْ کَانَ آبَاؤُکُمْ وَأَبْنَاؤُکُمْ وَإِخْوَانُکُمْ وَأَزْوَاجُکُمْ وَعَشِیرَتُکُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ کَسَادَهَا وَمَسَاکِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَیْکُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِی سَبِیلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّی یَأْتِیَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ...» (التوبه: ۲٤).

همچنین، مفهوم «جهاد» در آیات بسیاری با قید «اموال و انفس» آمده و در همه‌جا قید «اموال» بر «انفس» مقدم شده است و حال آنکه «قتال» از آنجا که معنایی مشخص دارد، در عموم استعمالاتش، مطلق به کار رفته است.

٦- تبیین آیهٔ «جَاهِدِ الْکُفَّارَ وَالْمُنَافِقِینَ»

در میان تمام آیاتی که در آن‌ها از مفهوم «جهاد» استفاده شده است، تنها آیه‌ای که به‌صراحت دستور جهاد با کافران و منافقان را صادر فرموده است، آیهٔ «یا أَیُّهَا النَّبِی جَاهِدِ الْکُفَّارَ وَالْمُنَافِقِینَ وَاغْلُظْ عَلَیهِمْ وَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَ بِئْسَ الْمَصِیرُ» است که مدنی است و بدون هیچ تغییری، نخست در سورهٔ تحریم (آیهٔ ۹) و سپس در سورهٔ توبه (آیهٔ ۷۳) تکرار شده است[۹].

مفسران و قرآن‌پژوهان در تفسیر این آیه، دو چالش را پیش روی خویش دیده‌اند: از طرفی، امر در آیه، پیامبر (ص) و به تبع ایشان، مسلمانان را ملزم به جهاد با کافران و منافقان می‌داند و از طرفی، به گواهی تاریخ، پیامبر (ص) هیچ‌گاه در طول حیات خویش به مبارزهٔ مسلحانه با منافقان مبادرت نورزیده است.

در میان مفسران صحابی، ابن مسعود و ابن عباس دو برداشت یکسان از آیهٔ «جَاهِدِ الْکُفَّارَ وَالْمُنَافِقِینَ» ندارند. ابن عباس که صاحب کرسی تفسیر قرآن در مکه است (معرفت، ۱٤۱۸ق، ج۱، ص۳۱٦)، دربارهٔ جهاد با منافقان می‌گوید: «بِاللِّسَانِ وَشِدَّةِ الزَّجْرِ بِتَغْلِیظِ الْکَلَامِ» (ثعلبی، ۱٤۲۲ق، ج٥، ص٦۹)، یعنی جهاد با منافقان را به وسیلهٔ زبان و از نوع کلام می‌داند؛ اما ابن مسعود که نمایندهٔ مدرسهٔ تفسیری کوفه است (معرفت، ۱٤۱۸ق، ج۱، ص۳۱۷) می‌گوید: «...أَنْ یُجَاهِدَ بِیَدِهِ، فَإِنْ لَمْ یَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ، فَإِنْ لَمْ یَسْتَطِعْ فَعَلَیْهِ بِوَجْهِ مُکَفَهِرٍّ» (ثعلبی، ۱٤۲۲ق، ج٥، ص٦۹). طبق نظر ابن مسعود، ابتدا باید جهاد با دست باشد و در صورت ممکن نبودن آن، جهاد

با زبان، قلب و ترش‌رویی را مطرح می‌کند.

بنابراین، در این باره با دو رویکرد تا حدودی متفاوت روبه‌رو هستیم و دقت در هر یک از این رویکردها بایسته و شایسته است. رویکرد نخست از آن کسانی است که جهاد در این آیه را به معنای قتال گرفته و چه‌بسا به‌صراحت، از مبارزهٔ مسلحانهٔ پیامبر (ص) و مسلمانان با هر دو گروه کافران و منافقان سخن گفته‌اند. رویکرد دیگر توسط آن دسته از مفسران ارائه شده است که جهاد در این آیه را شامل هر نوع رویارویی و مبارزه با دو دستهٔ یادشده دانسته‌اند. در ادامه، به دیدگاه‌های برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

صادقی تهرانی به معنای جهاد توجه می‌کند و نه جهاد با کفار و نه منافقان را در وهلهٔ نخست به سلاح برداشتن معنا نمی‌کند و می‌گوید: «جهاد با کفار روبه‌رو شدن با آن‌ها با حکمت و موعظهٔ حسنه است تا اقرار به ایمان کنند در غیر این صورت قتال و جنگ لازم است؛ جهاد با منافقان نیز الزام آنان به آنچه اقرار کرده‌اند و التزام داشتن آن‌ها به حقیقت ایمان است و در غیر این صورت، قتال با آن‌ها لازم است (صادقی تهرانی، ۱۳٦۵ش، ج۱۳، ص۲۲٦). وی معتقد است جهاد و مجاهده در این آیه درجاتی مختلف دارد؛ زیرا پیامبر با منافقان جز در حالت‌های اندکی نجنگید (همان). این مفسر عبارت «وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ» را دلیل بر آن می‌گیرد که جهاد در در این آیه اختصاص به قتال ندارد؛ زیرا اگر منظور قتال بود، دلیلی برای لزوم غلظت نبود؛ زیرا غلظتی بالاتر از قتال نیست. (همان). صاحب التحقیق نیز معتقد است جهاد در این آیه به هر وسیله‌ای ممکن است (مصطفوی، ۱٤۳۰ق، ج۲، ص۱۵۰).

برخی از مفسران منافقان و کافران را در کنار هم دیده و به‌صراحت، سخن از قتال با آن‌ها گفته‌اند؛ به این صورت که خداوند بین دو گروه کفار و منافقان ارتباط برقرار کرده و به پیامبر (ص) دستور جهاد (قتال) مستمر با آن‌ها را داده است؛ زیرا سرنوشت منافقان آتش است و کسی که چنین سرنوشتی دارد، رحم و مهربانی نسبت به او معنا نخواهد داشت (مدرسی، ۱٤۱۹ق، ج٤، ص۲۲۷). صاحب اطیب البیان نیز می‌گوید: «ظاهر آیه دربارهٔ منافقان نیز به قریناً عطف به کفّار، همان جهاد به سیف است؛ در نهایت اینکه بعد از ظهور و کشف نفاق» (طیب، ۱۳۷۸ش، ج٦، ص۲۷۰). بدیهی است، تفاوت بین کشف یا اخفای نفاق چنان پسندیده نیست؛ زیرا منظور از نفاق و منافق برای پیامبر (ص) در آن دوران معلوم بوده است.

استاد مطهری نیز اینکه جهاد هم‌معنای جنگ است را یک اصل مسلم و قطعی به شمار می‌آورد؛ برای مثال، وی در ذیل بحث از آیات مطلقی که دستور به جهاد می‌دهند، قائل است آن‌ها را باید به آیات مقید برگردانیم. وی در این زمینه آیهٔ ۷۳ سورهٔ توبه را مثال می‌زند که دستور مطلق به جنگ داده است و می‌گوید: «پس معلوم است آنجایی هم که می‌گوید «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ» یعنی این کفار و منافقانی که با شما در حال جنگ هستند، اگر شما نجنگید آن‌ها با شما می‌جنگند، پس با آن‌ها بجنگید (مطهری، ۱۳۸۸ش، ج۲۰، ص۲۳۰). وی در جایی دیگر در مقام نقد دیدگاه برخی از مفسران چنین می‌گوید: «بعضی از مفسران در کلمهٔ «جاهِدْ» تصرف کرده و گفته‌اند: «جاهد» یعنی کوشش کن برای خنثی کردن فعالیت این‌ها؛ مبارزه کن و مبارزه معنی اعمی دارد؛ مبارزهٔ فکری، مبارزهٔ قلمی، مبارزهٔ زبانی، همهٔ این‌ها مبارزه است و پیغمبر در زمان خودش با منافقان نبرد به اصطلاح تبلیغاتی، نبرد فکری و نبرد روانی داشت، نبرد شمشیری نداشت. پس به نظر این گروه از مفسران، جهاد در اینجا به معنای نبرد کردن است و یک معنی اعم مراد است. اما این مطلبی است که تا نوعی تصرف در ظاهر کلمه نشود نمی‌توان به آن قائل شد. در آیات دیگر قرآن هر جا جهاد آمده، درست است که تنها به معنای مقاتله نیست و اعم است، اما شامل مقاتله هم می‌شود؛ یعنی ما قبول می‌کنیم جهاد در قرآن هر جا آمده، اختصاص به نبرد در میدان جنگ ندارد، شامل مطلق مبارزه‌ها می‌شود، اما

فردی که قطعاً شامل می‌شود همان نبرد در میدان جنگ است و نمی‌شود گفت شامل اقسام دیگر می‌شود و شامل این قسم نمی‌شود» (همان، ۱۳۹۱ش، ص۲۷، ص ٤٨٠).

استاد سبحانی نیز آنجا که آیات قتال (جهاد فقهی) را به دو گونهٔ مطلق و مقید تقسیم‌بندی کرده و در پی آن است که نشان دهد آیات مقید، آیات مطلق را قید می‌زنند، آیهٔ مورد بحث (۷۳ سورهٔ توبه) را دال بر مطلق قتال قلمداد کرده است و دربارهٔ این آیه می‌گوید: «تَدعُو إلَی مُطلَقِ النِّضَالِ مَعَ الکُفَّارِ وَ المُنَافِقِینَ، دونَ أن تُقَیِّدَ مُقَاتِلَةَ هذه الطَّوائِفِ وَ الجَمَاعاتِ بِقیدٍ، بَل تُوجِبُ مُقَاتِلَتَهُم، سَوَاء أ قَاتَلوا المُسلِمینَ أم لَا وَ سَوَاء أ جَحَدوا الإسلَامَ أم لَا». البته در ادامه با توجه به آیات دیگر این آیه را تخصیص خورده به شمار می‌آورد (سبحانی، بی‌تا، ج۲، ص۱۱۵). در اینکه آیات قتال مقید به آیات دیگر باشند اشکالی نیست؛ ولی اینکه موضوع این آیه را صرفاً قتال بدانیم جای تأمل است.

علامه طباطبایی اگرچه معنای لغوی جهاد را به معنای قتال ندانسته است، ذیل آیهٔ ۷۳ سورهٔ توبه دربارهٔ لفظ جهاد می‌گوید: «استعمال این واژه در قرآن در معنای قتال شایع است، هرچند در غیر قتال نیز استعمال شده است؛ مانند: «وَ الَّذِینَ جاهَدُوا فِینا لَنَهْدِیَنَّهُمْ سُبُلَنا» (العنکبوت: ٦٩) (طباطبایی، ١٤١٧ق، ج۹، ص۳۳۹). وی در جایی دیگر هم می‌گوید: «این کلمه بیشتر بر مدافعه به جنگ اطلاق می‌شود» (همان، ج١٤، ص٤١١)؛ یعنی کاربرد اصلی و شایع این واژه را در قرآن به معنای قتال می‌داند. علامه در ذیل این آیه در سورهٔ توبه قائل است قرآن کریم اگرچه نوع جهاد با کافران متجاهر را جنگ و قتال دانسته است، دربارهٔ منافقان، مطلق آنچه مصلحت باشد را لازم می‌داند (همان، ج۹، ص۳۳۹). البته وی به تفاوت دو سورهٔ تحریم و توبه توجه داشته است و در تفسیر همین آیه در سورهٔ تحریم می‌گوید: «جهاد با کفار و منافقان، بذل جهد و کوشش در اصلاح امر این دو طایفه و جلوگیری از شر و فساد آن‌هاست؛ البته این جهاد در ناحیهٔ کفار به این صورت است که پیامبر (ص) حق را برای آنان بیان نموده و رسالت خود را به آن‌ها برساند تا ایمان بیاورند، در غیر این صورت با آن‌ها بجنگد؛ اما جهاد با منافقان تنها بدین‌گونه است که نسبت به آنان دلجویی و تألیف قلوب نماید تا به‌تدریج دل‌هایشان به سوی ایمان گرایش یابد؛ چراکه پیامبر (ص) هیچ‌گاه با منافقان نجنگید» (همان، ج۱۹، ص۳۳۷).

یادکرد این آیه در سورهٔ تحریم نیز گواه بر آن است که جهاد هم‌معنای قتال نیست؛ زیرا به فرض آنکه فضای سورهٔ توبه و رویارویی مسلحانهٔ مطرح در این سوره را ناظر بر قتال بدانیم و جهاد را هم‌معنای آن بپنداریم، در سورهٔ تحریم با توجه به اینکه سخن از جنگ و درگیری نیست، دلیلی بر انصراف معنای جهاد به قتال نداریم؛ زیرا آیهٔ سورهٔ تحریم در میان آیاتی است که نسبت به آنچه پیامبر (ص) بر خویش حرام کرده (در صورتی که خداوند آن را حلال شمرده)، واکنش نشان داده و سپس از افشای اسرار توسط یکی از زنان پیامبر (ص) سخن گفته (التحریم: ۳) و آن‌ها را به خاطر این کار توصیه به توبه کرده است (التحریم: ٤). در واقع، آیهٔ مورد بحث در میانهٔ چنین موضوعی آمده و البته پس از آن مسألهٔ زنان نوح و لوط، همسر فرعون و حضرت مریم (س) را مدنظر قرار داده است که می‌تواند با مسألهٔ افشای اسرار یادشده مرتبط باشد؛ بنابراین، در این آیات، سخنی از جنگ و درگیری با کافران و منافقان در میان نیست.

مفسری دیگر دربارهٔ جاهد الکفار می‌گوید: «أبذُل غَایَةَ جُهدِکَ فِی قِتالِ الکُفَّارِ وَالمُنَافِقِینَ». البته در ادامه، جهاد با کافران را با سلاح و جهاد با منافقان را با زبان می‌داند که به نوعی دو سخن متعارض است و نشان می‌دهد مفسر به‌راحتی هر یک از این واژه‌ها را به‌جای هم به کار می‌گیرد و دقت کافی ندارد (جزائری، ١٤٢٤ق، ج۲، ص۳۹۸).

برخی از مفسران از واژهٔ قتال استفاده نکرده‌اند، بلکه مصداق جهاد با کافران را در این آیه جهاد با «سیف» و

منافقان را به «حجت» دانسته‌اند (آلوسی، ۱٤۱۵ق، ج۱٤، ص۳۵٦). مفسری دیگر در ذیل این آیه می‌گوید: «هیچ‌گاه با ستمگران پست با مهربانی و گذشت رفتار نمی‌شود و از دیدگاه حق و عدالت، جز شمشیر چیزی برای آنان نیست. کدامین آیین و قانون با کسانی که زندگی انسان‌ها را نادیده می‌گیرند و در دل‌های آنان وحشت و ترس می‌اندازند و می‌گویند: هرکس با ما و بردهٔ ما نباشد، ضد ما و دشمن ماست و از منظر ما، جز سلاح جهنمی، استحقاق دیگری ندارد، با تساهل و تسامح رفتار می‌کند؟ بنابراین، مهربانی و رحمت آن است که تجاوز و متجاوزان از بین برود» (مغنیه، ۱٤۲٤ق، ج۷، ص۳٦٦). البته وی همین آیه را در سورهٔ توبه طور دیگری معنا می‌کند و می‌گوید: «این آیه بدان معناست که خداوند تعیین نوع جهاد را به پیامبر (ص) وانهاده تا با هرچه حکمت اقتضا می‌کند و او صلاح می‌داند با آنان جهاد نماید» (همان، ج٤، ص۷۰). همو در جایی دیگر بین جهاد و قتال تفاوت قائل نشده است و آیاتی همچون «قاتِلُوهُمْ حَتَّى لا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ»، «فَقاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» و «يا أَيُّهَا النَّبِيُّ جاهِدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنافِقِينَ» را در کنار هم قرار می‌دهد (همان، ۱٤۲۸ق، ص۳٤۸).

در نظر نگرفتن مفهوم‌سازی ویژهٔ قرآن موجب آن شده است تا ابن تیمیه به‌راحتی این آیه را به قتال معنا کند و این‌طور اذعان کند که اگر از اقامهٔ حد و مقابله با فرد منافق ترسیدیم، به آیهٔ «وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعْ أَذَاهُمْ» (الأحزاب: ٤۸) عمل می‌کنیم؛ اما اگر برای ما قدرت و عزت حاصل شد، مخاطب این قول خداوند خواهیم بود که فرموده است: «جاهِدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنافِقِينَ» (ابن تیمیه، ۱٤۳۱ق، ص۳۵۹).

از نظر نگارنده، حتی در آیاتی که در سورهٔ توبه و در اثنای جنگ و نبرد نیز نازل شده‌اند، نباید از توجه ویژه به مفاهیم قرآنی چشم‌پوشی کنیم. در واقع، باید اصل را بر مفهوم‌سازی خود قرآن گذاشت؛ به این معنا که استفادهٔ قرآن کریم از واژهٔ جهاد در اثنای جنگ هم در جهت مفهوم‌سازی خاصی صورت گرفته است؛ بنابراین، اگرچه منکر اینکه آیاتی همچون ۸۱[۱۰]، ۸٦[۱۱] و ۸۸[۱۲] سورهٔ توبه بر نبرد و جنگ دلالت می‌کنند، نیستیم، معتقد هستیم قرآن در ضمنِ همین آیات نیز به طور کاملاً خلاقانه نه از مفهوم قتال، که از جهاد بهره برده است تا ضمنِ تأکید بر بار ارزشی ویژهٔ جهاد، نشان دهد آن‌هایی که به نبرد با مشرکان برنخاسته‌اند چه توفیق بزرگی را از دست داده‌اند و آن توفیق بزرگ، نه صرفاً قتال، که جهاد با بار ارزشی ویژهٔ آن است؛ چنانکه در آیهٔ ۸۱، کراهت برخی از مسلمانان نسبت به نرفتن به جهاد را کاملاً حساب‌شده گوشزد کرده و سلب توفیق بزرگی از آنان را این‌چنین مفهوم‌سازی کرده و تأکید کرده است که آتش جهنم سوزان‌تر و سخت‌تر از گرمای هوایی است که برخی تاب تحمل آن را ندارند. در واقع، مقایسه‌ای جالب بین والاترین فضیلت که جهاد است با سخت‌ترین عذاب‌ها که عذاب جهنم است صورت گرفته است. جالب آنکه، در ذیل دو آیه از این سه آیه، قید اموال بر انفس مقدم شده است و چنانکه گفتیم قتال با اموال معنا ندارد. در آیهٔ ۸٦، ارزش ایمان و جهاد همراه رسول را برای کسانی که از جهاد سر باز زده‌اند گوشزد کرده و نشان داده است قدرتمندان و بزرگان از منافقان چطور حاضر شده‌اند چنین فضیلت بزرگی، یعنی جهاد را از دست بدهند. در واقع، سیاق و بافتار این آیه به‌خوبی استفاده از مفهوم جهاد و نه قتال را برمی‌تابد.

بنابراین، در آیهٔ مورد بحث هم باید بین جهاد و قتال تفاوت قائل شد و جهاد را به معنای نوعی مبارزه در نظر گرفت که بسته به شرایط ممکن است متفاوت باشد؛ از این رو، جهاد با کافران و منافقان همان مبارزه و رویارویی با آن‌هاست که ممکن است با زبان یا دست یا هر روش دیگری صورت گیرد.

٦-۱- روایات تفسیری آیهٔ «جاهِدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنافِقِينَ»

در ذیل آیهٔ «يا أَيُّهَا النَّبِيُّ جاهِدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنافِقِينَ»،

روایاتی وارد شده‌اند که دلالت آیه را بر معنای عام جهاد تأیید می‌کنند: «قَالَ حَدَّثَنِی أَبِی عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی‌جَعْفَرٍ(ع) قَالَ جَاهِدِ الْکُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِینَ بِالْزَامِ الْفَرَائِضِ» (قمی، ۱۴۰۴ق، ج۱، ص۳۰۱).

مطابق این روایت، متعلق جهاد پیامبر (ص) فقط الزام فرائض است. در واقع، چنانکه نسبت به کفار و منافقان فقط یک حکم کرده و آن جهاد است، مطابق روایت، نوع این جهاد هم یکی است و بین کفار و منافقان تفاوتی نیست.

روایت دیگر به نقل از پیامبر اکرم (ص) نوع جهاد با مشرکان را به گونه‌هایی مختلف تفسیر می‌کند: «جَاهِدُوا الْمُشْرِکِینَ بِأَلْسِنَتِکُمْ، وَأَنْفُسِکُمْ، وَأَمْوَالِکُمْ، وَأَیْدِیکُمْ» (ابن حنبل، ۱۴۲۱ق، ج۲۰، ص۲۶).

چنانکه از ابن مسعود نقل شده است، وقتی این آیه نازل شد، به پیامبر (ص) دستور داده شد تا با دست خود با کفار و منافقین مبارزه کند[۱۳] و اگر نتوانست با قلب خود و اگر آن را نیز نتوانست به زبان خود و اگر آن هم برایش مقدور نبود، با برخورد خشن و ترش‌رویی با ایشان مبارزه کند (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج۳، ص۲۵۸).

۶-۲- نقد آیت‌الله خامنه‌ای بر دیگر مفسران

آیت‌الله خامنه‌ای در تفسیری که بر سورۀ توبه دارند[۱۴] نسبت به خلط بین اصطلاح قرآنی و فقهی[۱۵] جهاد انتقاداتی را مطرح کرده‌اند. ایشان در ضمن بررسی آیۀ ۷۳ سورۀ توبه یکی دانستن جهاد و قتال را به‌صراحت مورد انتقاد قرار داده است و آن را ناشی از خلط اصطلاح قرآنی جهاد و اصطلاح فقهی آن قلمداد می‌کند.

ایشان در همین باره توسل به قرائت‌های غیرمشهور[۱۶] برای فرار از اشکالات واردشده بر این خلط را عذر بدتر از گناه دانسته و معتقد است؛ زیرا برخی معنای جهاد را نفهمیده و از طریقی سست خواسته‌اند اشکال را رد کنند؛ در حالی که با مراجعه به خود قرآن، مطلب واضح می‌شود. از نظر نگارنده، ایشان عدم توجه به مفهوم‌سازی خود قرآن را سبب بدفهمی از آیه دانسته است و از این رو، می‌گوید: «ابتدا باید دید جهاد در قرآن به چه معنایی به کار رفته و نیز معنایی که فقهای شیعه تا زمان ما تصویر کرده‌اند چیست تا آنگاه معلوم شود که این اشکال، از خلط اصطلاح قرآنی با اصطلاح فقهی فقها شکل گرفته است.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸ش، ص۵۱۸) ایشان این احتمال که منظور از جهاد در این آیه جنگ مسلحانه باشد، ولی جهاد با کفار را خود پیامبر(ص) انجام داده‌اند و جهاد با منافقان را به عهده امام علی(ع) گذاشته را با ذکر دو نکته قابل قبول نمی‌دانند: ۱- مستند این ادعا، حدیثی است که سند درستی ندارد، پس مخدوش است؛ زیرا علی بن ابراهیم آن را بدون سند ذکر کرده است. ۲- خطاب آیه به شخص پیامبر(ص) است «یا أَیُّهَا النَّبِیُّ جاهِدِ الْکُفَّارَ وَ الْمُنافِقِینَ» و حال آنکه طبق نظر فوق، خود حضرت، خارج از حکم خواهد بود. (همان)

در واقع ایشان در اینجا (مخصوصاً در نکته دوم که بحثی قرآنی است)، از مفهوم‌سازی ویژه این آیه برای نفی دیدگاه مقابل کمک می‌گیرند. در ادامه از روایات وارده و مقدم شدن قید اموال بر انفس نیز برای مفهوم جهاد به معنای قرآنی آن استفاده می‌کنند و در نهایت چنین نتیجه می‌گیرند که: «جهاد معنای عامی دارد که هر نوع مبارزه و مقاومت_ با دست یا زبان یا فکر_ در برابر دشمن پروردگار را شامل می‌شود» (همان، ص۵۱۹)

ایشان در ادامه، فرمودۀ پیامبر (ص) به عثمان بن مظعون وقتی که قصد داشت به علت فوت فرزندش سر به بیابان گذارد و رهبانیت پیشه کند را یادآور می‌شود که: «یَا عُثْمَانُ لَا تَفْعَلْ فَإِنَّ سِیَاحَةَ أُمَّتِی الْغَزْوُ وَ الْجِهَادُ» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج۶، ص۱۲۲) و بعد می‌گوید: «از آنجا که غزو، ظهور در «جنگ با سلاح» دارد وقتی در کلام معصوم (ع) با کلمۀ جهاد همراه شود بعید است که به یک معنا باشند؛ زیرا مستلزم ترادف و تکرار است و در کلام معصوم (ع) هر کلمه‌ای حامل معنایی خاص است».

۷- نتیجه‌گیری

این نوشتار پس از بررسی و تبیین شاخصه‌هایی در زمینهٔ مفهوم‌سازی قرآن کریم در موضوع جهاد، به نتایج زیر دست یافت:

-یک‌سویه بودن مفهوم جهاد، مکی و مدنی بودن آن، به‌کارگیری لفظ مجاهد، پیوند جهاد با هجرت، بی‌حدومرز بودن جهاد و مدحی بودن عموم آیات آن، حکایت‌گر مفهوم‌سازی ویژهٔ قرآن در مقولهٔ جهاد هستند.

-مفهوم جهاد با قتال متفاوت است و به‌کارگیری هر یک از آن‌ها به‌جای دیگری، ساختار ویژهٔ قرآن را به هم می‌زند. در نظر نگرفتن این مسأله در مواردی موجب شده است تا برخی از مفسران ذیل آیاتی همچون «جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ» صرفاً سخن از قتال بگویند، البته برخی دیگر به‌خوبی به این تفاوت دقت داشته و گاهی در مقام نقد بر دیگر مفسران نیز برآمده‌اند.

-قرآن کریم جهاد کبیر با کافران را نه در قالب پیکار نظامی، بلکه به وسیلهٔ قرآن یا عدم اطاعت از کافران لازم می‌داند؛ از این رو، می‌توان در آیاتی که فضای نبرد نظامی را نیز ترسیم می‌کنند، مفهوم جهاد را به معنای نوعی «مبارزه» در نظر گرفت که تمام فعالیت‌های انجام‌شده از جانب مسلمانان را شامل شود و از طرفی، با توجه به محتوای ارزشی و اسلامی آن، تمام کوشش‌های مقدماتی هم جهاد تلقی شوند.

حاصل آنکه، هر تلاشی از جانب مسلمانان برای هر گونه مقابله با مشرکان و منافقان و در صورت نیاز، رویارویی با مشرکان و پیکار با آن‌ها و در یک کلام، هر نوع مبارزه‌ای که «فی سبیل الله» باشد و مانع «صد عن سبیل الله» شود، جهاد قرآنی است؛ البته قتالی که «فی سبیل الله» باشد، بی‌شک جزئی از جهاد است؛ از این رو، قرآن کریم پیکار از سوی مشرکان را نه جهاد، بلکه قتال خوانده است؛ زیرا کار آن‌ها جهاد تلقی نمی‌شود.

منابع

* قرآن کریم

آلوسی، محمود بن عبدالله. (۱٤۱۵ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*. بیروت: دارالکتب العلمیة.

ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم. (۱٤۳۱ق). *الصارم المسلول علی شاتم الرسول* (تحقیق محی الدین عبد الحمید). المملکة العربیة السعودیة.

ابن حنبل، ابوعبدالله. (۱٤۲۱ق). *مسند أحمد بن حنبل* (تحقیق شعیب الأرنؤوط و آخرون). بیروت: مؤسسة الرسالة.

ابن عثیمین، محمد بن صالح. (۱٤۳٦ق). *تفسیر سورة عنکبوت*. المملکة العربیة السعودیة: القصیم.

ابن فارس، احمد بن فارس. (۱٤۰٤ق). *معجم مقاییس اللغة*. قم، مکتب الاعلام الاسلامی.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱٤۱٤ق). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.

السامرائی، فاضل صالح. (۱٤۲۰ق). *معانی النحو*. الأردن: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع.

بغوی، حسین بن مسعود. (۱٤۲۰ق). *معالم التنزیل* (تحقیق عبد الرزاق المهدی). بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱٤۱۸ق). *انوار التنزیل و أسرار التأویل* (تحقیق محمد عبدالرحمن المرعشلی). بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

ثعلبی، احمد بن محمد. (۱٤۲۲ق). *الکشف والبیان عن تفسیر القرآن*. بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

جزائری، جابر بن موسی. (۱٤۲٤ق). *أیسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر*. مدینة: مکتبة العلوم والحکم.

جزائری، نورالدین محمدبن نعمه‌الله. (۱٤۰۷ق). *فروق اللغات فی التمییز بین مفاد الکلمات*. دمشق: المستشاریه الثقافیة للجمهوریة الاسلامیة الایرانیة.

جصاص، احمد بن علی. (۱٤۱۵ق). أحکام القرآن.

بیروت: دارالکتب العلمیهٔ.

جمعی از نویسندگان. (۱۳۹۳ش). *مروری بر مبانی روش و قواعد تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای در تفسیر سورهٔ توبه*. تهران: نسیم انقلاب.

حویزی، علی بن جمعه. (۱٤۱۵ق). *تفسیر نورالثقلین*. قم: انتشارات اسماعیلیان.

خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۸ش). *تفسیر سورهٔ برائت*. تهران: موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.

الخطیب، عبدالکریم یونس. (۱٤۳۱ق). *التفسیر القرآنی للقرآن*. القاهرهٔ: دار الفکر العربی.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱٤۱۲ق). *مفردات الفاظ القرآن*. بیروت: دارالقلم.

رشیدرضا، محمد. (۱۹۹۰م). *تفسیر المنار*. مصر: الهیئهٔ المصریهٔ العامهٔ للکتاب.

زمخشری، محمود. (۱٤۰۷ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. بیروت: دارالکتب العربی.

سبحانی ، جعفر. (بی‌تا). *رسایل و مقالات* (ج۲). قم: مؤسسهٔ الإمام الصادق (ع).

سمعانی، ابوالمظفر. (۱٤۱۸ق). *تفسیر القرآن*. الریاض: دارالوطن.

سیوطی، جلال الدین. (۱٤۰٤ق). *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*. قم: کتابخانه آیهٔ الله مرعشی نجفی.

سیوطی، جلال الدین. (۱٤۲۱ق). *الإتقان فی علوم القرآن*. بیروت: دارالفکر العربی.

صادقی تهرانی، محمد. (۱۳٦۵ش). *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*. قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.

طباطبایی، سید محمدحسین. (۱٤۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طباطبایی، سید محمدرضا. (۱۳۹۸ش). *صرف ساده*. قم: دارالعلم.

طوسی، محمد بن حسن. (۱٤۰۷ق). *تهذیب الاحکام*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

طیب، عبدالحسین. (۱۳۷۸ش). *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات اسلام.

غفاری، مهدی. (۱۳۹۰ش). مدخل جهاد. در *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی* (ج۱۹، صص۱۷-۱۸). تهران: زیر نظر محمدکاظم موسوی بجنوردی.

فخر رازی، محمد بن عمر. (۱٤۲۰ق). *مفاتیح الغیب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱٤۱۵ق). *القاموس المحیط*. بیروت: دارالکتب العلمیهٔ.

قائمی‌نیا، علیرضا. (۱۳۹۰ش). *معناشناسی شناختی قرآن کریم*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

قطب‌الدین راوندی. سعید بن هبهٔ الله. (۱٤۰۵ق). *فقه القرآن* (تحقیق مرعشی). قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

قمی، علی بن ابراهیم. (۱٤۰٤ق). *تفسیر القمی* (تحقیق موسوی جزائری). قم: دارالکتاب.

مدرسی، سید محمدتقی. (۱٤۱۹ق). *تفسیر من هدی القرآن*. تهران: دار محبی‌الحسین.

مصطفوی، حسن. (۱٤۳۰ق). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. بیروت: دارالکتب العلمیهٔ.

مطهری، مرتضی. (۱۳۸۸ و ۱۳۹۰ش). *مجموعه آثار* (ج۲۰ و ۲۷). تهران: انتشارات صدرا.

معرفت، محمدهادی. (۱٤۱۸ق). *التفسیر و المفسرون فی ثوبه الغشیب*. مشهد: جامعهٔ الرضویهٔ للعلوم الاسلامیهٔ.

مغنیه، محمدجواد. (۱٤۲٤ق). *التفسیر الکاشف*. قم: مؤسسهٔ دارالکتاب الاسلامی.

مغنیه، محمدجواد. (۱٤۲۸ق). *فی ظلال الصحیفهٔ السجادیهٔ*. قم: مؤسسهٔ دارالکتاب الاسلامی.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷٤ش). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الإسلامیهٔ.

نجفی، محمدحسن. (۱۳٦۲ش). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام* (تحقیق عباس قوچانی). بیروت: دار إحیاءالتراث العربی.

Lee, D. (2001). *Cognitive linguistics*. New

Aysar Al-Tafasir li-Kalam Al-‘Ali Al-Kabir (The Easiest Exegesis of the Words of the Most High and Great). Medina: Maktabat Al-‘Uloum wa Al-Hikam.

Al-Jaza’iri, Nour Al-Din Muhammad ibn Na‘mahullah. (1407 AH). Furouq Al-Lughat fi Al-Tamyiz Bayna Mifad Al-Kalimat (Linguistic Differences in Differentiating the Meaning of Words). Damascus: The Cultural Consultancy of the Islamic Republic of Iran.

Al-Jassas, Ahmad ibn Ali. (1415 AH). Ahkam Al-Quran (The Rulings of the Quran). Beirut: Dar Al-Kutub Al-‘Ilmiyya.

A Group of Authors. (2014 AD). A Review of the Foundations, Methods, and Interpretive Rules of Ayatollah Khamenei in the Interpretation of Surah Al-Tawbah. Tehran: Nasim Inqilab.

Al-Huwaizi, Ali ibn Jum‘ah. (1415 AH). Tafsir Nour Al-Thaqalayn (The Interpretation of the Two Weighty Things). Qom: Isma‘iliyya Publications.

Khamenei, Sayyid Ali. (2019 AD). Tafsir Surah Al-Bara’ah (Interpretation of Surah Al-Tawbah). Tehran: The Cultural and Research Institute of the Islamic Revolution.

Al-Khatib, Abdul-Karim Younis. (1431 AH). Al-Tafsir Al-Qur’ani Lil-Quran (The Quranic Interpretation of the Quran). Cairo: Dar Al-Fikr Al-‘Arabi.

Al-Raghib Al-Isfahani, Hussein ibn Muhammad. (1412 AH). Mufradat Alfaz Al-Quran (The Vocabulary of the Quran). Beirut: Dar Al-Qalam.

Rashid Rida, Muhammad. (1990 AD). Tafsir Al-Minar (The Lighthouse Commentary). Egypt: The Egyptian General Book Authority.

Al-Zamakhshari, Mahmoud. (1407 AH). Al-Kashshaf ‘An Haqa’iq Ghawamid Al-Tanzil (The Revealer of the Truths of Quranic Mysteries). Beirut: Dar Al-Kutub Al-‘Arabi.

Subhani, Ja‘far. (n.d.). Rasa’il wa Maqalat (Essays and Articles, Vol. 2). Qom: Imam Al-Sadiq Institute.

Al-Sam‘ani, Abu Al-Muzaffar. (1418 AH). Tafsir Al-Quran (The Exegesis of the Quran). Riyadh: Dar Al-Watan.

Al-Suyouti, Jalal Al-Din. (1404 AH). Al-Durr York, Oxford University Press.

Bibliography

The Holy Quran

Al-Alousi, Mahmoud ibn Abdullah. (1415 AH). Ruh Al-Ma‘ani fi Tafsir Al-Quran Al-‘Azim wa Al-Sab‘ Al-Mathani (The Spirit of Meanings in the Interpretation of the Great Quran and the Seven Oft-Repeated Verses). Beirut: Dar Al-Kutub Al-‘Ilmiyya.

Ibn Taymiyyah, Ahmad ibn Abdul-Halim. (1431 AH). Al-Sarim Al-Masloul ‘Ala Shatim Al-Rasoul (The Drawn Sword Against the Blasphemer of the Prophet) (Edited by Muhyi Al-Din Abdul Hamid). Kingdom of Saudi Arabia.

Ibn Hanbal, Abu Abdullah. (1421 AH). Musnad Ahmad ibn Hanbal (Edited by Shu‘ayb Al-Arna’ut and others). Beirut: Mu’assasat Al-Risala.

Ibn ‘Uthaymin, Muhammad ibn Salih. (1436 AH). Tafsir Surah Al-‘Ankabout (Exegesis of Surah Al-‘Ankabut). Saudi Arabia: Al-Qasim.

Ibn Faris, Ahmad ibn Faris. (1404 AH). Mu‘jam Maqayis Al-Lugha (Dictionary of Linguistic Scales). Qom: Maktab Al-I‘lam Al-Islami.

Ibn Manzour, Muhammad ibn Mukarram. (1414 AH). Lisan Al-‘Arab (The Tongue of the Arabs). Beirut: Dar Sadir.

Al-Samarrai, Fadel Salih. (1420 AH). Ma‘ani Al-Nahw (The Meanings of Syntax). Jordan: Dar Al-Fikr.

Al-Baghawi, Hussein ibn Mas‘oud. (1420 AH). Ma‘alim Al-Tanzil (Landmarks of Revelation) (Edited by Abdul-Razzaq Al-Mahdi). Beirut: Dar Ihya’ Al-Turath Al-‘Arabi.

Al-Baydawi, Abdullah ibn ‘Umar. (1418 AH). Anwar Al-Tanzil wa Asrar Al-Ta’wil (The Lights of Revelation and the Secrets of Interpretation) (Edited by Muhammad Abdul-Rahman Al-Mar‘ashli). Beirut: Dar Ihya’ Al-Turath Al-‘Arabi.

Al-Tha‘alibi, Ahmad ibn Muhammad. (1422 AH). Al-Kashf wa Al-Bayan ‘an Tafsir Al-Quran (The Unveiling and Explanation of the Quranic Interpretation). Beirut: Dar Ihya’ Al-Turath Al-‘Arabi.

Al-Jaza’iri, Jaber ibn Mousa. (1424 AH).

Qom: Dar Al-Kitab.
Al-Mudarrisi, Sayyid Muhammad Taqi. (1419 AH). Tafsir Min Huda Al-Quran (Interpretation from the Guidance of the Quran). Tehran: Dar Muhibbi Al-Hussein.
Mostafavi, Hassan. (1430 AH). Al-Tahqiq fi Kalimat Al-Quran Al-Karim (Research on the Words of the Holy Quran). Beirut: Dar Al-Kutub Al-‘Ilmiyya.
Motahhari, Morteza. (1988 & 2011 AD). Collected Works (Vol. 20 & 27). Tehran: Sadra Press.
Ma‘rifat, Muhammad Hadi. (1418 AH). Al-Tafsir wa Al-Mufassiroun. Mashhad: Al-Radawiyya University.
Mughniyah, Muhammad Jawad. (1424 AH). Al-Tafsir Al-Kashif. Qom: Dar Al-Kitab Al-Islami.
Lee, D. (2001). Cognitive Linguistics. New York: Oxford University Press.

[۱] «عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَى وَآخَرُونَ يضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...» (المزمل: ۲۰)

[۲] البته دفاع نه نسبت به فضای جنگ و مبارزۀ مسلمانان، بلکه در یک آیه برای خداوند به کار رفته و به نظر، معنای مجازی آن مراد است: «إِنَّ اللَّهَ يدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ» (الحج: ۳۸)

[۳] «أُذِنَ لِلَّذِينَ يقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (الحج: ۳۹)

[۴] «لَا ينْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيهِمْ إِنَّ اللَّهَ يحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (الممتحنه: ۸) «إِنَّمَا ينْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَى إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَمَنْ يتَوَلَّهُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (الممتحنه: ۹)

[۵] گفتنی است، «جهاد» و «مجاهده» اگرچه به باب مفاعله رفته‌اند و معنای غالبی باب مفاعله مشارکت و دوطرفه بودن است، در رابطه با این واژه، معنای ثلاثی مجرد همراه با تأکید و مبالغه را یادآور شده‌اند (نک: طباطبایی، ۱۳۹۸ش، صص۱۶۵-۱۶۴).

[۶] منظورمان از پیوند جهاد با هجرت با توجه به همین آیات سورۀ انفال است و به طور مشخص، در پی نشان دادن مفهوم‌سازی ویژۀ این آیات هستیم. بدیهی است، در آیات دیگر جهاد هم برای مهاجران و هم غیرمهاجران مطرح است.

Al-Manthour fi Tafsir Al-Ma’thour (The Scattered Pearls in the Interpretation Based on Traditions). Qom: Ayatollah Mar‘ashi Najafi Library.
Al-Suyouti, Jalal Al-Din. (1421 AH). Al-Itqan fi ‘Uloum Al-Quran (The Mastery of Quranic Sciences). Beirut: Dar Al-Fikr Al-‘Arabi.
Sadeqi Tehrani, Muhammad. (1986 AD). Al-Furqan fi Tafsir Al-Quran bil-Quran (The Criterion in the Interpretation of the Quran by the Quran). Qom: Islamic Culture Publications.
Tabatabai, Sayyid Muhammad Hussein. (1417 AH). Al-Mizan fi Tafsir Al-Quran (The Balance in the Interpretation of the Quran). Qom: Islamic Publications Office.
Tabatabai, Sayyid Muhammad Reza. (2019 AD). Sarf Sadeh (Simple Morphology). Qom: Dar Al-‘Ilm.
Al-Tousi, Muhammad ibn Hassan. (1407 AH). Tahdhib Al-Ahkam (The Refinement of Rulings). Tehran: Dar Al-Kutub Al-Islamiyya.
Al-Tayyib, Abdul-Hussein. (1999 AD). Atyyab Al-Bayan fi Tafsir Al-Quran (The Purest Explanation in the Interpretation of the Quran). Tehran: Islam Press.
Ghafari, Mahdi. (2011 AD). The Concept of Jihad, in The Great Islamic Encyclopedia (Vol. 19, pp. 17-18). Tehran: Under the Supervision of Mohammad Kazem Mousavi Bojnourdi.
Fakhr Al-Din Al-Razi, Muhammad ibn ‘Umar. (1420 AH). Mafatih Al-Ghayb (The Keys to the Unseen). Beirut: Dar Ihya’ Al-Turath Al-‘Arabi.
Firouzabadi, Muhammad ibn Ya‘qoub. (1415 AH). Al-Qamous Al-Muhit (The Comprehensive Dictionary). Beirut: Dar Al-Kutub Al-‘Ilmiyya.
Qa’imi-Nia, Alireza. (2011 AD). A Cognitive Semantic Approach to the Holy Quran. Tehran: The Research Institute for Culture and Islamic Thought.
Qutb Al-Din Al-Rawandi, Sa‘id ibn Hibatullah. (1405 AH). Fiqh Al-Quran (Jurisprudence of the Quran) (Edited by Mar‘ashi). Qom: Ayatollah Mar‘ashi Najafi Library.
Al-Qummi, Ali ibn Ibrahim. (1404 AH). Tafsir Al-Qummi (Edited by Mousavi Jazairi).

[۷] مفسران دربارهٔ مرجع ضمیر «جَاهِدْهُمْ بِهِ» اختلاف دارند که از آن میان، دو قول که یکی مرجع ضمیر را «قرآن» و دیگری «عدم اطاعت» دانسته است، از بقیه مشهورتر و پذیرفتنی‌تر هستند (نک: بیضاوی، ۱٤۱۸ق، ج ٤، ص۱۲۷).

[۸] البته پیش‌تر در ضمن تبیین مسأله به اختلاف مفسران نسبت به مکی یا مدنی بودن آیهٔ ۲۰ سورهٔ مزمل که در آن واژهٔ قتال آمده است، اشاره کردیم.

[۹] مطابق روایات سبب نزول، سورهٔ تحریم قبل از سورهٔ توبه نازل شده است (نک: سیوطی، ۱٤۲۱ق، ج ۱، ص ٦۰).

[۱۰] «فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يفْقَهُونَ» (التوبه: ۸۱)

[۱۱] «وَإِذَا أُنْزِلَتْ سُورَةٌ أَنْ آمِنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ أُولُو الطَّوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا نَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ» (التوبه: ۸٦)

[۱۲] «لَكِنِ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيرَاتُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (التوبه: ۸۸)

[۱۳] پیش‌تر به تفاوت دیدگاه ابن مسعود و ابن عباس اشاره کردیم.

[۱٤] این تفسیر قبل از انقلاب اسلامی ایران و در مشهد مقدس ایراد شده است. در این باره نک: «مروری بر مبانی روش و قواعد تفسیری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تفسیر سورهٔ توبه» که توسط جمعی از شاگردان ایشان (۱۳۹۳ش) تدوین شده است.

[۱۵] صاحب جواهر جهاد را این گونه تعریف می‌کند: « الجهاد... شرعا بذل النفس وما يتوقف عليه من المال فی محاربة المشركين أو الباغين على وجه مخصوص» (نجفی، ۱۳٦۲ش، ج ۲۱، ص۳).

[۱٦] مطابق روایات امامان (ع)، این آیه به گونه‌ای دیگر هم قرائت شده است: «جَاهِدِ الْكُفَّارَ بِالْمُنَافِقِين» (قمی، ۱٤۰٤ق، ج ۱، ص۳۰۱).